

اروپا این مسئله را نمی‌پسندیده که با ایجاد یک نوع مانع باعث جلوگیری از منافع بشود که می‌توانسته در رابطه با ایران به دست بیاورد. اما این که چه مسائلی باعث هدایت اتحادیه اروپا به این سمت شده، جدا از آن دستور کارهایی که خود اتحادیه داشته، عوامل خارجی متعددی در تصمیم گیری آن می‌توانسته اثرگذار باشد. اولین عامل قطعنامه‌هایی است که در شورای امنیت مطرح شده. عامل بعدی فشارهای ایالات متحده به اتحادیه اروپاست. و در رده‌های بعدی شاید نوع نگاه‌هایی که در برهه‌ای بر سیاست خارجی ایران حاکم بوده بر این روند تاثیر گذاشته است. با وجود این نوع تصمیم گیری شان درباره ایران تاثیر گذاشته است.

**اتحادیه اروپا در سال جدید میلادی شاهد برگزاری انتخابات پارلمانی است. گزارش‌ها از افزایش محبوبیت احزاب ضد یورو در کشورهای اروپایی خبر می‌دهد. به نظر شما تاثیر این انتخابات در همکاری اروپا چگونه خواهد بود؟**

ببینید این مورد را باید در نظر داشته باشیم که همکاری در فراتر از سطح ملی در واقع پدیده‌ای است که باید برای آن برنامه ریزی‌هایی صورت بگیرد. یعنی به طور طبیعی احساسات ضد همکاری در سطح بالاتر از یک کشور وجود دارد و زمانی که مشکلات ناشی از همکاری و متحد بودن کشورها سر باز کند، مثل مشکلات اقتصادی که در سال‌های اخیر بوده، طبیعتاً این احساسات ضد همکاری بیشتر خودش را نشان می‌دهد. حتی در دورانی که در اوج شکوفایی اقتصادی اروپا بودیم این احساسات خودش را در قالب رای منفی چشمگیر هلند و فرانسه به قانون اساسی اروپا نشان می‌داد. پس این که فکر کنیم این احساسات ضد همکاری می‌خواهد باعث شود که در آینده، اروپا به سمت واگرایی پیش برود، من فکر می‌کنم که کمی بدبینانه است. یعنی مقداری دور از واقعیتی است که در سطح کلان اتحادیه اروپا دارد اتفاق می‌افتد.

کما این که در صورت امکان بهتر بود که این سه کشور اروپایی هم نمی‌بودند. در واقع بهتر بود آن قدرت‌هایی به عنوان طرف مذاکره مطرح می‌شدند که واقعا تصمیم گیر اصلی اند. مثلاً در مذاکرات اخیر، نقشی که فرانسه یا انگلیس ایفا می‌کردند، هر لحظه ممکن بود که رویکردهایی متفاوت با خواست ما در پیش بگیرند. بنابراین، هر چه این قدرت‌های طرف‌های مذاکره ما کمتر باشند بهتر است. اما در سایر موضوعات که در سیاست خارجی کشورمان وجود دارد، هر چه گزینه‌های بیشتری داشته باشیم برای همکاری دست ما بازتر خواهد بود و این به نظر من مناسب است.

**اتحادیه اروپا با تحریم ایران، بزرگترین سیاست اعمال تحریم علیه یک کشور در طول تاریخ خود را تجربه کرد. به نظر شما چه مقدار از زمینه‌های اتخاذ این سیاست خارجی واحد، ناشی از زمینه‌های همکاری خود اروپایی‌هاست و چه مقدار آن ناشی از اقدامات دستگاه سیاست خارجی ایران است؟**

یک مسئله را ما باید نه تنها درباره اتحادیه اروپا بلکه در مورد نظم اقتصادی بین‌الملل در نظر داشته باشیم؛ این که بحث تحریم یعنی اساساً کنار گذاشتن یک کشور از تعاملات و یک حوزه عرضه از تعاملات اقتصادی، نوعی کج کارکردی در سیستم اقتصادی است. یعنی یک مانعی بر سر روند طبیعی حرکت اقتصادی دنیاست. پس تحریم‌ها یک کج کارکردی است ولی یک کج کارکردی خود خواسته. یعنی فعالیتی ارادی است که تعدادی از کشورها و بعضی بازیگران و کنشگران بین‌المللی از آن برای دستیابی به خواسته‌هایشان استفاده می‌کنند. در مورد اتحادیه اروپا و این که در واقع چقدر سیاست‌های خودش در همکاری موثر بوده، من فکر می‌کنم که طبیعتاً اتحادیه اروپا به عنوان یک مجموعه‌ای که از ابتدای آن انگیزه‌های اقتصادی باعث گرد هم آمدن شان شده به این سمت می‌رفتند که هر چه بیشتر بتوانند از فرصت‌های اقتصادی در دنیا استفاده کنند و در واقع نقطه قوت اتحادیه اروپا هم رشد اقتصادی و توان اقتصادی آن است. اتحادیه

نماینده‌ای از جامعه بین‌المللی، موضوع برنامه هسته‌ای ایران را به عنوان یک مسئله بین‌المللی مدیریت می‌کنند. از این منظر، اتحادیه اروپا در کنار سایر قدرت‌های بزرگ بین‌المللی یعنی چین، روسیه و آمریکا، مسئولیت ایفای نقش در این موضوع را بر عهده گرفته اند و ایران ناچار است که این وضعیت موجود را بپذیرد. چون ما می‌بینیم، تحولاتی که در ماه‌های اخیر در موضوع هسته‌ای ایران در سطح بین‌المللی اتفاق افتاده بیشتر از این مجرا بوده تا مجرای مذاکرات تخصصی با آژانس. ولی اگر سیاست خارجی ایران را منهای موضوع هسته‌ای در نظر بگیریم، من فکر می‌کنم که تعامل با تک تک این کشورها سودمندتر خواهد بود تا این که مجموع کشورها، طبیعی است که در یک جمع، نظراتی مختلف وجود داشته باشد و هماهنگ کردن همه این نظرات طبیعتاً دشوار است و باعث می‌شود که از بعضی فرصت‌ها نتوانیم استفاده کنیم. در اروپا کشورهایی مانند اتریش، دانمارک، سوئد، سوئیس، اسپانیا و ایتالیا رویکرد همدلانه‌تری نسبت به سیاست خارجی ایران دارند نسبت به کشورهایی مانند انگلیس و آلمان که می‌خواهند به عنوان قدرت بزرگ ایفای نقش کنند. طبیعی است که ما می‌توانیم از طریق شکاف‌هایی که در بین کشورهای اروپایی وجود دارد و رقابتی که بین کشورهای اروپایی به خصوص قدرت‌های اقتصادی نو ظهور برای گرفتن بازار بین‌المللی وجود دارد، استفاده کنیم؛ در صورتی که با آن‌ها به صورت تک به تک وارد تعامل بشویم.

**برخی کشورهای اروپایی هستند که با وجود برابری در بیشتر بخش‌های اقتصادی با کشورهای اروپایی، در مناسبات بین‌المللی نادیده گرفته شده‌اند. شما ارتباط گیری دستگاه دیپلماسی کشورمان با این کشورها هم‌زمان با ارتباط با ترونیکی اروپا را تجویز می‌کنید؟**

من مناسب می‌بینم. همانطور که گفتیم باید آن تمایز را حتماً در نظر بگیریم که درباره موضوع هسته‌ای ما نمی‌توانیم کشورهای بیشتری را وارد این جرگه کنیم. حتی من فکر می‌کنم که در صورت توانایی ما، این مطلوب نخواهد بود که کشورهای طرف مذاکره ما بیشتر بشوند.